رحمه الله تعالی وی از استادان جریری است وی گفته که العیال عقوبة
تنفذ شهوات الحلال ابو بکر بن علیسی المطوعی رحمه الله تعالی از ابهر است
از اقران ابو بکر و بزرگتر از وی ابو بکر طاهر بروی درآمد و وی محتضر بود
وی را گفت احسن ظنک بربک گفت با چون منی سخن کوینید اگر ما را بگذارد پرستش
وی کنیم و اگر بخواند فرمان بریم و بروییم مات سنه خمس و ثلثمائه
ابو بکر بن طاهر الابهری رحمه الله تعالی از طبقه عبد الله بن رابعه است نام وی
عبد الله بن طاهر بن الحارث الطایی است از کبار مشایخ جبل است از اقران
شبلی بوده عالم بوده و با ورع با یوسف بن الحسین صحبت داشته رفیق مظفر
کرمانشاهی بوده شیخ مهلب مصری کوید و هو مهلب بن احمد بن مرزوق
که با هیچکس صحبت نداشتم از مشایخ که مرا صحبت وی آن نفع کرده باشد
که صحبت شیخ ابو بکر طاهر در سنه ثلاثین و ثلثمائه برفته از دنیا روزی
ابو بکر طاهر بدکان بزازی برگذشت پسر بزاز دوست وی بود چون شیخ را
دید از دکان برخاست و بر پی وی برفت چون بزاز آمد پسر را ندید در خشم
شد و بر اثر پسر برفت وی را دریافت و لختی به پیچید و از پیش شیخ ابو بکر وی را
بادکان برد شیخ ابو بکر از آن همه شب رنجه بود دیگر روز بدر سرای آن بزاز
رفت و کنیزک داشت با خود برد و وی را بیرون طلبید و گفت دوش همه شب
رنجه بود مرا از مال دنیا این کنیزک دارم اگر بپذیری بکفارت آن رنج بتو دادم

واگر

واگر نپذیری آزاد کردم آن مرد در پای وی افتاد و گفت ای شیخ من جرم کرده ام
و تو عذر میخواهی گفت راست که تو جرم کرده اما مرا میز نند پرسیدند از وی که حقیقت
چیست گفت همه آن علم است و پرسیدند که علم چیست گفت همه آن حقیقت است
وی گفته الجمع جمع المتفرقات والتفرقة تفرقة المجموعات فاذا جمعت قلت الله
و اذا فرقت نظرت الی الکون و هم وی گفته که مردی را دیدم وداع کعبه میکرد
و می گریست و این بیت میخواند شعر الا رب من یدنوا و یزعم انه یحبک
و النائی اودّ و اقرب ابو بکر ابی سعدان رحمه الله تعالی از طبقه رابعه است نام
وی احمد بن محمد بن ابی سعدان بغدادیست از اصحاب جنید است قدس سره
و از اقران رودباری عالم تر مشایخ وقت بوده بعلوم این طایفه ابو الحسن
حدیق و ابو العباس فرغانی گفته اند که نمانده است درین زمان این طایفه را
جز دو تن ابو علی رودباری بمصر و ابی بکر بن ابی سعدان بعراق و ابو بکر در پاینده
تر است از ابو علی وی گفته هر که با صوفیان صحبت دارد باید که وی را نفس نبود
و دل نبود و ملک نبود چون بچیزی نگرد از اسباب از بلوغ بمقصد خود بیفتند
و به آن نرسد و هم وی گفته الصوفی هو الخارج عن النعوت و الرسوم و الفقر
هو الفاقد للاسباب نفقد السبب اوجب له اسم الفقر و سهل له الطریق الی المسبب
و هم وی گفته من لم یتطرف فی التصوف فهو غنی ای جاهل شیخ ابو عبد الله
خفیف گفته است که روزی در بغداد بغدان غار عید مرا گفت ابن ابی سعدان را

Copyright © King Saud University